

شکیبائی رمز پیروزی در کارها

آنها که به فعالیت مداوم خود تکیه دارند بیش از آنها که به استعجاب و قریحه خود متکی هستند به پیشرفت و ترقی نزدیکند.

در نظام آفرینش، هر پدیده‌ای از نخستین روزی که جامه‌سستی می‌پوشد، تا هنگامی که به اوج کمال خود برسد در امان می‌ماند. با مشکلات پرورش می‌یابد، و این یک ناهوس طبیعی است که بر سرش موجودات حکومت می‌کند.

هر انسانی در زندگی میل دارد برای بدست آوردن موفقیت، کوتاهترین راه را برگزیند و هر چه زودتر از نتیجه کار خود بهره‌بردار شود. ولی جز با شکیبائی در کارها نمی‌توان راه را کوتاه کرد و بدقی که مقولود در آن است رسید. امکان هیچ نوع تمالی و

پیشرفت بدون این مرحله اخلاقی برای آدمی وجود ندارد. هر کسی چه یک فرد عادی و یا شخص مبتکر و یا ابداع کننده از عوالم و بیسوغ فوق العاده بر خود دار است اگر نخواهد بدعای موفقیت را بروی خود بکشد، و از وجود خویش نسری برگردد باید با الهام از نظام آفرینش در کارها شکیبائی بخرد و به تدریج و بیرونی واقع بینی و تدبیر بچیز باشد و زندگی را در افق پهنای و فراوانی مشاهده کند. هرگز کارهای بزرگ بطور آبی و فوری سامان نمی‌رسد؛ برای پیاده کردن طرحها و مشاهده‌های وسیع و

پیشروان تمدن امروز ارزش و گستره وقت و انرژی بسیاری لازم است. فعالیتها و وقت بی‌اندازه صرفه‌جویی باشد موفقیت پایدار، نیاز خواهد آورد؛ آدمی با شکست شکیبائی است. نامشرف است و تواناییهای او را در روزی آشکارا نشانی‌ها و مشاوری صورت گیرد. زیرا پیشرفت و ترقی همواره با شکست و مشکلات و غم‌ها و اندوه است.

همان‌طور همی افراد در زندگی پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای می‌گردانند و برخی هم از قلندری

می‌باشد؛ تفاوت اساسی بین افراد کامیاب و شکست خورده و غمناقتانده در کیفیت فعالیت و میزان ایستادگی آنها در برابر عوامل نامساعدند. هرگز است. افراد زیادی هستند که هر گاه مانع کوچکی در راهشان قرار گرفت بجای آنکه در رسیدن چاره‌جویی بر آنند از هر کسوف و لایت بازمی‌مانند، در حالی که دارای تواناییها و توانمندیها و اراده هستند، و با اینکه از مباحی خاصی می‌برند و در مورد چیزیک از کارها با فعالیت جدی تمام با فعالیت سادرت می‌ورزند. روحیه‌شان همواره با تسلل و عدم اعتماد می‌باشد. حیل و ممانعت و تصور برای آنها حالت ثانوی شده است. پیشگامان هرگز روی موفقیت نخواهند بود.

در هر کس حربه‌های نامشروع و بی‌کار دیدی است که از نخستین دوره‌هاییات تا آخرین لحظات عمر استمداد دارد. شکیبائی قویترین سلاحه بر نمایان می‌گردد. بسیار است. در این نسخه بسیار از روزهای انسانی با فراوانی و با اطمینان و با ابروی دارد که در هیچ مرحله‌ای تسلیم و سماع نگردد. هر قدر بر زمین بخورند باز دیگر با حاشیه تلاش خود را از سر گیرند. و با شکست تدریجی فعالیت گرفتار و با شکست می‌مانند.

اگر قوای منوی ما متوسل و با حسی ضعیف باشد و از جهت اندک و عوالم خیلی عادی باشیم تدریجاً شکیبائی می‌توانیم خود را کامل و تیر و دستاریم برداشتن یک مانع و مشکل از میان، ما را برای رفع موانع آینده آماده‌تر می‌سازد، و نیروی کشش فراوانی در وجودمان ایجاد می‌کند، هر گاه کوچکی سبب می‌شود چرخهای فعالیت برگردش افتد و شخص را بسوی کارهای برگردد و عیالیشی هدایت نماید و افکار برای ادامه جنگیدن با مشکلات و تعقیب نماید آماده‌تر گردد.

قدرت مواجه با مشکلات در وجود عر اساسی سوخت گذارده شده و با سوختیم برای بردن آنها خود را بسج کثیر و نیروهای شگرف خویش را بکار اندازیم؛ قوای باطنی انسان منبع سرشاری است که هیچگاه ذخائر آن پایان نمی‌پذیرد بلکه هر چه بیشتر از آن بهره‌بردار می‌شویم جوشش زیادتری خواهد کرد. با س و امید و عجز از مقاومت در برابر دشواریها بلس فقدان استمداد نیست بلکه این لاجیرهای ناامیدی و سستی است که دست‌وپای بعضی‌ها را می‌بندد و نیروی فعاله مشکلات را در وجودشان حثی می‌کند. این افراد در برابر هر نوع شکست جرنس به بکنوع بیعت و

حیرت فلج کننده وی حسی منفی دچار می‌گردند، حتی ممکن است روحیه آنها را اثر یک حادثه ناگهانی و دردناک در هم شکسته شود و تعامل خود را از دست بدهند و بالاخره در آنجا حالت تسلیم در برابر سختیها با اندازهای شدید می‌شود که عموماً به جای نصیم و مقاومت در برابر حوادث روح تسلیم بر آنها حکومت می‌کند و ترمیم این ضعف نفسانی از همه نواقص دیگر دشوارتر است.

کسانی که به فعالیت مداوم خود تکیه دارند بیش از آنها تکیه بقریحه و استمداد شخصی خویش متکی هستند به تمالی و پیشرفت نزدیکند؛ انسان هر قدر صاحب ادراک و عوالم و ذوق باشد تا آن استمداد مقرون بعمل می‌آید باشد تدریجاً بخش خواهد بود. هیچگاه متفکرین جهان از طبقه خاصی بر نخواستند بلکه بیشترشان از کانون سختی‌ها تجلی کرده و از میان مشکلات در جات ترقی را آغاز کرده‌اند؛ آنها تکیه بر ای خود شخصیت ممتاز و عالی ساخته و شهرتشان در آفاق پیچیده است و حتی گاهی اجتماع خود را باوج افتخار رسانیده‌اند فشار سختی و محرومیت بوده که می‌بویزدشان ساخته برای ادامه زندگی با مصائب گوناگون و طاق. فرساست و باجه‌ترم کند همین عامل

بگفته شاعر شیرین سخن :

در مشکلات طریقت عنان مناب ابر
که مرد راه بندهش از نشیب و قرار
تمام کارهای شکر و آثار پر
ارزش و گرانبهای که بیامنه بشیر
عبیه شده و امروز از وسائل عاده
شمار میآیند ، در ابتدای کار بنسور
بسیاری از مردم امر محالی تلقی میشد
و اگر در گذشته کسی بامکان پیدایش
آنها اشاره می کرد به ابلهیی و سذگت
مشمول میشد ، و حتی سببش در محال
عالم هم مورد استهزاء قرار میگرفت
اما امروز با همه ارزشی که داراست
اهمیتی از اذهان مردم دور شده ، بطوریکه
که دیگر در بندهش تسولید شکنج
نمیکند ، ولی اینهمه صنایع و تکنیک
در مدت کوتاهی بدست مردان عامل
پدید نیامده ، بلکه محصول سالها
تجرب و رحمت است و حتی در برخی از
موارد با کمال شکیبایی و حوصله
تمام عمر را بحل مسائل پیچیده
مشغول پرداخته و در سایه محبت و رحمت
خستگی ناپذیر مردان مصمم از عالم
مجهول بدنیای واقعیت و تحقق کشانده
شده و صورت عینی بوجود گرفته است .
و امر سوننه میگوید : هر قدر
که موفق و کامیاب شدی ، حمله
برش چیز اتفاق داشته اند و آن این
است که بین علت و معلول حتماً یک
رابطه ای هست بیادیت دیگر آنها
مستند بود اند که حوادث عالم تنهاگی
بطور تصادف و روی بخت و اقبال پیش
نمی آید بلکه چیزی تابع علت قانونی
است ، پس اولین حلقه و آخرین حلقه
در هر مریح حلقه شکنه و کم قوه نیست .

و بطرز خاصی چهره میکشاید مشکلاتی
پیش می آید که اسلا سببها ، سوابق
قبلی هم نیست ، و زندگی چیزی غیر
از حل این مشکلات و گشودن
گره های پیچیده آن نمی باشد .

آنکه با مشکلات زیادی مواجه
است که بنظر ، غیر قابل حل میرسد
و گشودن آن گره ها را در شرایط
موجود تصور نمی بیند ، برای تحقق
بخشیدن به آرزو تنها يك راه در جلو
دارد و آن این است که بر تلاش و
جدیت در کار بپردازد ، پایداری بیخبر
دهد ، فرستها را غنیمت شمارد
و وقتی با این خصائص بسوی مقصد راه
می کند بالاخره دوری برداشتی او
بشمر خواهد رسید و بکمال مطلوب
دست خواهد یافت .

چه بسا گرفتاریهای روزگار که
در آغاز به سیمانی خستگت آمیز
زندگی ، چون ابراهیم سبانه ناریک
میشد ، اما در پایان روزگار همان
تیرگیها که انسان را گمراهی
از آنها را داشته است برق سعادت
میدرخشد ، و از میان رحمتش
کشتن آرزهای امید و آرزوهای محض
را سیراب میکند .

برای رسیدن به هدف تکنیک خاصی
وجود ندارد و موفقیت محصول افراد
شناخته ای نیست ؛ بدون استثناء برای
تمام مردم زار رسیدن بقصد و یکسان
باز است ، هر کس میتواند در آن کام
بر داشته افرستها استفاده کند و
راعبای پر پیچ و خم با شکیبایی
در نورد و از پستی ها و بلندیها بالا رود

سبب و زید کی و نیر و نندی ایشان شده
و توانسته اند با قاطعیت از زبان ترقی
بالا روند .

میگویند ؛ يك دانش آموز
چینی که در رشته تحصیلی خود پیشرفتی
بدست نیاورده و ناگام شده بود از شدت
پاس و ناامیدی کتابهایش را جمع کرد
و دور افکند ، در همان لحظه دیدنی
مستمند قطعه ای آهن را با سر سختی
و کوشش خستگی ناپذیر سوهان میراند
تا از آن سوزنی درست کند ، مشاهده
این صحنه انقلابی عظیم در خودش
احداث نمود ، روحش را به دست تکان
داد و باو درسی آموخته و بر معنی
آموخت ، تصمیم گرفت بکلاس درس
برگردد و بهیچ قیمتی که هست با قاطعیت
تمام با دماغه تحصیلت ببرد ، این
تصمیم را بمرحله اجرا در آورد و در
سایه شکیبایی که از خود بر وزداد ، در
ردیف دانشمندان شهر عصر خود قرار
گرفت و یکی از برجسته ترین رجال
علمی آن زمان شد .

آشنا بود ، با اصول زندگی واقعی
است که انسان باید با مطالعه و تفکر
بر آنها دست یابد تا بتواند خویشش
را در مبارزات حیاتی مجرب ساخته
و با زندگی تطبیق دهد ؛ چرخهای
زندگی با تصورات خام و افکار و تخیلات
شاعرانه بگردش در نمی آید و نباید در
بازار آن از در پیچه خیالات واهی
قنات کرد ، در هر زمان سیمانی
مسائل و مشکلات عوض می شود ،